

بررسی قیام زید بن علی(ع) و تأثیر آن بر روند گسترش تشیع

سید حسن قریشی کربن*

تاریخ دریافت: ۹۸/۲/۳۰

علی اکبر رزاقی**

تاریخ پذیرش: ۹۸/۶/۲۷

سید ابوالفضل رضوی***

زهرا قنبری مله****

چکیده

بدون شک یکی از قاریان و مفسران کلام الهی که از جایگاه ویژه‌ای در بین قاریان و مفسران قرآن برخوردار است زید بن علی(ع) است. آثار بجا مانده از ایشان نشانگر آن است که وی تألیفات زیادی در این خصوص داشته و لقب "حلیف القرآن" درباره او نشان دهنده پیوند ثابت وی با قرآن است. ایشان همچنین دارای قرائتی مشهوری بوده که بعضی از بزرگان آن را در کتابی مستقل جمع آوری نموده‌اند. قیام زید که نشأت گرفته از آیات قرآن بوده، نخستین قیامی است که از سوی خاندان علی(ع) بعد از واقعه کربلا در سرزمین‌های اسلامی، بر ضد امویان صورت گرفته است. سادات حسنی و سادات حسینی نیز با الهام از این قیام علیه امویان و عباسیان دست به شورش و اعتراض زدند. لذا این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی در صدد است ابتدا چگونگی قیام زید بن علی(ع) با استفاده از آموزه‌های قرآنی را مشخص و سپس تأثیر این قیام را بر روند گسترش تشیع بیان نماید.

کلیدواژگان: قیام‌های شیعه، زید بن علی(ع)، تشیع، حلیف القرآن.

hassaghoraish@gmail.com

razzaghi.ak@gmail.com

Abolfazlrazavi@khu.ac.ir

z.ghanbari@gmail.com

* استادیار دانشگاه پیام نور.

** دانشجوی دکترای پیام نور قشم.

*** دانشیار دانشگاه خوارزمی تهران.

**** استادیار دانشگاه پیام نور.

نویسنده مسئول: علی اکبر رزاقی

مقدمه

زید بن علی(ع) بدون شک یکی از قاریان و مفسران کلام الهی محسوب می‌شود و جایگاه ویژه‌ای در بین قاریان قرآن و مفسران آن دارد. از آثار او می‌توان به «غریب القرآن»، «القراءة یا قراءة زید بن علی»، «مدخل الی القرآن» و «تفسیر لمواضیع مختارة منه»، «تفسیر سورة الفاتحة وبعض آیات القرآن»، «الصفوة»، «مسند» و... اشاره نمود. زید بن علی(ع) در مدینه که مهد علم و دانش بوده در دامن پدر بزرگوارش پرورش یافت و در مکتبش علاوه بر فضائل اخلاقی، رشته‌های مختلف علوم اسلامی اعم از تفسیر و حدیث و فقه و کلام و... را آموخت. سپس از علم بیکران برادرش باقر العلوم(ع) بهره‌مند شد و مانند ده‌ها و بلکه صدها شخصیت بزرگ علمی به اندوختن علم و دانش پرداخت و در ادامه در محضر برادرزاده بزرگوارش امام صادق(ع) به تکمیل منزلت علمی و معنوی مشغول شد. در علم و فضائل اخلاقی به درجه‌ای از کمال رسید که امام باقر(ع) و امام صادق(ع) گاهی دانشمندان بزرگ از شیعیان را برای استفاده علمی و تصحیح عقاید و اندیشه‌ها به محضر زید بن علی(ع) ارجاع می‌دادند.

در نقلی بیان شده وقتی ابو حمزه ثمالی و ابو خالد واسطی (که هر دو از دانشمندان بزرگ عصر امام باقر(ع) بودند) کتابی را در نقد اندیشه‌ها و عقاید مخالفان نوشته بودند و آن اثر را خدمت امام باقر(ع) آورده بودند تا نظر خود را درباره آن نوشته بیان کنند امام پنجم ضمن تشویق و تجلیل کار آن‌ها فرمودند: نوشته خود را به زید بن علی(ع) ارائه دهید تا او درباره آن نظر دهد. قابل ذکر است زید به آن پایه از علم و دانش دست یافته بود که در بعضی از نقل‌ها از وی با عناوین و القابی چون "عالم آل محمد(ص) و فقیه اهل بیت(ع)" یاد می‌کنند(رضوی اردکانی، ۱۳۷۵: ۳۹).

با روی کار آمدن حکومت اموی و خلافت بر سرزمین‌های اسلامی، رفتار خلفای اموی نسبت به علویان مخصوصاً سادات حسنی و حسینی با موضع سختگیرانه‌تری شدت یافت. علویان در دوره امویان شاهد نقض قوانین اسلام، بدعت و ظلم و ستم آنان بر خود و دیگر شیعیان بودند. به همین دلیل با زیاد شدن فشار امویان بر علویان، موجبات نارضایتی و اعتراض سادات فراهم شد و این نارضایتی‌ها در قالب قیام نمایان شد. مهم‌ترین این قیام‌ها که در واپسین سال‌های حکومت امویان رخ داد قیام زید بن علی(ع) بود. این قیام از بارزترین قیام‌هایی بود که در سال‌های پایانی حکومت امویان به وقوع پیوست و موجب سقوط دولت امویان و روی کار آمدن عباسیان گردید. حضور زید بن علی(ع) به عنوان یکی از بزرگان سادات حسینی و از علویان سرشناس و صاحب علم فقاہت در این دوره، از اهمیت خاصی برخوردار بود. علویان با آنکه سال‌ها از قیام به دور بودند، به همراه عده‌ای از علمای مشهور آن دوره، از قیام زید بن علی(ع) حمایت همه‌جانبه نموده و همین امر بر اهمیت این قیام افزود. در مورد علل و زمینه‌های قیام زید(ع)، با توجه به شرایط ویژه جامعه آن روزگار و سیاست خلفای اموی، دلایل و علل متعددی ذکر گردیده است: از فشار، ظلم و ستم امویان گرفته تا کفر، الحاد و فساد خلفای آنان و همچنین، تحقیر شیعیان و علویان از سوی ایشان، همه و همه، بخش بسیار کوچکی از دلایلی بود که می‌توانست باعث خیزش کسانی همچون زید گردد (کریمیان، ۱۳۸۲: ۲۶۰؛ تشید، ۱۳۸۵: ۵۷-۵۸).

به نظر می‌رسد، با مختصر آشنایی با اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی جامعه اسلامی در عصر امویان، بتوان، به فلسفه قیام زید بن علی پی برد. آنچه از شواهد تاریخی برمی‌آید، قیام زید ریشه در اوضاع نابسامان جامعه عصر اموی به‌ویژه دوران هشام داشت. طبری محتوای بیعت زید با مردم کوفه را چنین بیان می‌کند: «من شما را به کتاب خدای می‌خوانم و سنت پیامبر(ص) و نبرد با ستمگران، دفاع از محرومان و ضعیفان و تقسیم غنائم میان صاحبانش به مساوات»(طبری، ۱۳۸۵: ۴۲۶۷/۱۰؛ ابن خلدون، ۱۳۸۳: ۱۸۶/۲).

خود زید در جایی دیگر می‌گوید: «به خدا من از رسول خدا شرم دارم اگر امر به معروف و نهی از منکر نکرده باشم»(ابن طقطقی، ۱۳۸۹: ۱۸۹). زید نه برای امر خلافت، بلکه به قصد دفع غاصبان از حکومت اسلامی و اشاعه مذهب شیعه در برابر دشمنان خاندان اهل بیت، یا به تعبیری دیگر، گردش حکومت سیاسی به سوی عترت بود(حکیمیان، ۱۳۶۸: ۵۳). قیام زید از نظر هدف، هیچ شباهتی با قیام مختار یا/بن زبیر نداشت، زیرا آن دو پرچم را برای خویش برافراشتند ولی زید با مشاورت و تأیید ضمنی عترت بود.

زید بن علی در جریان قیامش، از تمامی فرقه‌ها کمک خواست و از این دعوت و تقاضای وی معلوم می‌شود که یکی دیگر از اهداف او ایجاد وحدت سیاسی در جامعه اسلامی آن روز بود، لذا دیده می‌شود که برای رسیدن به این هدف، در برخی موارد از جمله مسأله خلافت، عقیده واقعی خود را پنهان، یا به روش تقیه، پنهان آورد و این یک تاکتیک ارزنده‌ای بود(رضوی اردکانی، ۱۳۸۴: ۱۷۶-۱۷۸). علاوه بر همه موارد یادشده، در بسیاری از متون شیعه و از زبان علمای این مذهب، از جمله شیخ مفید، علامه مجلسی، مامقانی و طبرسی، ساحت زید بن علی را مبرا از هرگونه عیب و ننگ دانسته و دعوتش را الهی و جهادش را فی سبیل الله معرفی نموده‌اند(همان: ۲۰۲). مورخان گرفتن انتقام خون شهیدان کربلا، امر به معروف و نهی از منکر، اصلاح وضع جامعه مسلمین را از دیگر دلایل قیام زید می‌دانند(همان: ۱۰۸). علاوه بر موارد و زمینه‌های یادشده، گفته شده که زید بن علی سعی نمود، با ایجاد ارتباط با احزاب و گروه‌های مختلف سیاسی- مذهبی عصر خویش، از آراء، تجربیات و آموزش‌های آنان که قبلاً تجربه کرده بودند کمک بگیرد(مدرسی، ۱۳۷۸: ۱۰۰) لذا در خروج زید، عناصر ناراضی اعم از شیعه، موالی و حتی خوارج به چشم می‌خوردند و همه به یاری او آمدند(زرین کوب، ۱۳۶۸: ۶۳۱).

پیشینه تحقیق

قابل ذکر است در کتاب‌های تاریخ عمومی، رجال و سیره در خصوص قیام‌های علویان و از جمله سادات حسنی و حسینی مطالب زیادی نوشته شده است ولی تا کنون به شکل مدوّن و مجزّأ به آن پرداخته نشده بلکه به صورت جزئی به آن‌ها اشاره شده است. از جمله می‌توان به کتاب‌های «تاریخ طبری»، «تاریخ یعقوبی»، «الکامل ابن اثیر»، «انساب الاشراف بلاذری»، «مقاتل الطالبین ابوالفرج اصفهانی»، «عمدة الطالب فی انساب آل ابی طالب ابن عنبه»، «مناقب آل ابی طالب ابن شهر آشوب»،

«اعیان الشیعة سید محسن امین»، «تاریخ الشیعة محمد مظفر»، «الارشاد شیخ مفید» و... اشاره نمود که به صورت کوتاه به همه قیام‌های علویان، علل و عوامل آن ذکر شده است، ولی منبعی تا کنون به قیام زید بن علی(ع) و الهام‌پذیری او از آموزه‌های قرآنی مستقلاً نپرداخته است.

الهام‌پذیری قیام زید بن علی(ع) از آموزه‌های قرآن

از آنجائی که انسان دارای صفاتی متعارض است آشنائی و علمش از مقام و جایگاه خود در نظام خلقت موجب می‌شود تا مسیر حرکت خود به سمت کمال را صحیح‌تر ببیند و از بعد حیوانی فاصله گرفته و به سوی علم و اخلاق گرایش یابد(فصلنامه مطالعات قرآنی، شماره ۱۷: ۱۵۷).

لذا در آیات متعددی از قرآن، خداوند متعال ما را در مقابل وظیفه‌ای بزرگ یعنی امر به معروف و نهی از منکر مسئول می‌داند و به خاطر اصلاح جامعه بشر و ریشه کن کردن فساد به آن دعوت می‌کند. لذا روی همین اصل بوده که زید بن علی(ع) از فقیهان برجسته و قرآن‌شناسان بزرگ سده دوم برای امر به معروف و نهی از منکر و خون‌خواهی جدش حسین بن علی(ع) قیام کرد و بر آن بود تا حکومت را به جایگاه اصلی‌اش بازگرداند و در این راه جان خویش را در طبق اخلاص نهاد و خونین‌بال به دیدار معشوق شتافت(طوسی، ۱۴۱۵: ۲۰۶). خود زید بن علی(ع) پیوند وثیقه‌ش با قرآن را اینگونه بیان می‌کند: «مدت ۱۳ سال با قرآن خلوت کرده، قرائتش میکردم و در آن می‌اندیشیدم» (مقریزی، ۱۳۵۵: ۴۳۶). وی خطاب به بیعت‌کنندگانی که دست از یاری‌اش برداشته بودند نیز فرمود: «والله ما خرجت ولا قمت مقامی هذا حتی قرأت القرآن وأتقنت الفرائض وأحکمت السنن والآداب وعرفت التأویل کما عرفت التنزیل، وفهمت الناسخ والمنسوخ، والمحکم والمتشابه، والخاص والعام»: «به خدا قسم خروج نکردم و الان در این جایگاه نیستم مگر اینکه قرآن را خوانده‌ام و به احکام و سنن آن آشنا هستم و به تأویل آن همانند تنزیلش آشنا هستم همچنین علم به ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه و عام و خاص آن دارم»(همان: ۱۴۰/۲).

قابل ذکر است برای زید قرائتی مشهور وجود دارد(امین، ۱۴۰۶: ۱۱۲/۷) که برخی عالمان بدان اهتمام ورزیده و آن را در کتابی مستقل جمع آوردند. عمر بن موسی وجیهی که معاصر زید بود، نخستین کسی است که قرائت‌های او را در کتابی جمع آورد. این کتاب بعد از سال ۱۶۱ق هم موجود بوده است(طوسی، ۱۴۲۰: ۳۲۷).

شیخ مفید در «الارشاد» در خصوص الهام‌پذیری زید بن علی(ع) از قرآن می‌نویسد:

«زید بن علی(ع) هدف قیامش را بر اساس آموزه‌های قرآن علاوه بر خونخواهی از جدش امام حسین(ع)، امر به معروف و نهی از منکر قرار داد و این یکی از فرایض مهم اسلامی و پر اهمیت‌ترین احکام قرآن است که تأکید بر امر به معروف و نهی از منکر دارد. در آیات متعددی از قرآن خداوند متعال ما را در مقابل این وظیفه بزرگ مسئول می‌داند و به خاطر اصلاح جامعه بشر و ریشه کن کردن فساد به این امر دعوت می‌کند. روی همین اصل بوده که زید بن علی(ع) که خود شخصیتی فوق‌العاده بود و عالم به

تمام شرایط و خصوصیات امر به معروف و نهی از منکر بوده وظیفه خود می‌بیند که در مقابل دستگاه جنایتکار بنی امیه همانند جدش امام حسین(ع) و به همان دلیلی که امام شهید قیام کرد وی نیز قیام کند»(مفید، ۱۳۷۶: ۲۵۱).

زمخشری نیز در خصوص الهام‌پذیری زید بن علی(ع) از قرآن می‌نویسد: «او در تشخیص معانی و طرز قرائت قرآن صاحب نظر بود و در بحث‌های خود همیشه با الهام از این کتاب خصم را مغلوب می‌ساخت». بزرگان درباره زید گفته‌اند: «وکانت له فیه قرائة خاصة»: «و برای او قرائت خاصی در قرآن بوده است»(زمخشری: ۱۳۸۹: ۱/ ۴۳).

بسیاری از علمای شیعه از جمله شهید اول در «القواعد»، مامقانی در «تنقیح المقال»، خوئی در «معجم رجال الحدیث» و همچنین سید علی خان شیرازی در «ریاض السالکین»، معتقدند قیام زید به اذن امام صادق(ع) بوده است(ابن عماد، شذرات الذهب، ج ۱: ۱۵۹-۱۵۸؛ طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج ۴: ۲۰۰-۱۹۳).

شیخ صدوق به اسنادش از محمد بن زید نحوی، از پدرش نقل می‌کند که گفت:

«زمانی که زید بن موسی بن جعفر به خاطر قیام در بصره و آتش زدن خانه‌های بنی عباس به سوی مأمون برده شد، مأمون گناه وی را به برادرش علی بن موسی الرضا(ع) بخشید و گفت: ای ابا الحسن، اگر برادرت قیام کرد و آنچه مرتکب شد، انجام داد هر آینه پیش از وی نیز زید بن علی خروج کرد و کشته شد، و اگر مقام تو نبود، او را می‌کشتم؛ زیرا آنچه انجام داده کوچک نیست. پس امام رضا(ع) به وی فرمود: ای امیر مؤمنان، برادرم زید را با زید بن علی قیاس نکن؛ چراکه زید بن علی از علمای آل محمد بود. به خاطر خداوند - عزّ وجلّ - خشم گرفت و با دشمنان خداوند به جهاد برخاست تا اینکه در راه او به قتل رسید. پدرم موسی بن جعفر(ع) برایم حدیث فرمود که از پدرش جعفر بن محمد(ع) شنیدم که می‌فرماید: خداوند عمویم زید را رحمت کند که به آنچه مایه خشنودی و رضایت آل محمد بود دعوت می‌کرد، و اگر پیروز می‌شد، به آنچه دعوت کرده بود وفا می‌نمود و در قیامش با من مشورت کرد. به او گفتم: ای عموی من، اگر راضی هستی که کشته شوی و در زباله‌دان به دار آویخته شوی، قیام کن. و زمانی که قیام وی شکست خورد، امام جعفر بن محمد(ع) فرمود: وای بر کسی که ندای او را شنید و اجابت نکرد! پس مأمون به آن حضرت گفت: ای ابا الحسن! آیا زید به ناحق ادعای امامت نکرد؟ امام رضا(ع) در پاسخ فرمود: زید بن علی آنچه را حق او نبود، ادعا نکرد. او پرهیزگارتر از آن بود که به ناحق ادعایی کند. زید گفت: شما را به آنچه مایه خشنودی و رضایت آل محمد است می‌خوانم. خلیفه عباسی ادعا می‌کند که منصوب از سوی خداوند است، در حالی که به غیر دین خداوند دعوت می‌کند و بدون علم و شناخت، مردم را از راه خداوند گمراه می‌سازد. به خدا قسم! زید بن علی از

مخاطبان ۷۸ سوره حج است که می‌فرماید: ﴿وَجَاهِدْ وَا فِي اللَّهِ حَقٌّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ﴾ (صدوق، ۱۴۰۴ق: ۲/۱).

امام صادق(ع) هم در خصوص زید(ع) می‌فرماید: «انه كان مؤمناً وكان عارفاً وكان عالماً وكان صادقاً»: «او مردی باایمان و عارف و دانشمند و درستکار بود». امام رضا نیز می‌فرماید: «او پیشوایی را برای خویش نمی‌خواست وی مردم را به رضای آل محمد دعوت می‌کرد اما به خدا قسم اگر پیروز می‌شد به پیمان خویش عمل می‌کرد» (اصفهانی، ۱۴۱۵ق: ۱۰۶/۲۴؛ امینی، ۱۳۸۷: ۳/۷۱).

خود زید بن علی(ع) برای بیعت با خود شروطی داشت که نشان از الهام‌پذیری قیام او از آموزه‌های قرآن است. آنجا که می‌فرماید: «ما شما را به کتاب خداوند و سنت پیامبرش، جهاد با ستمگران، دفاع از مستضعفان، کمک به محرومان، تقسیم مساوی در بین مستحقان آن، ردّ مظالم، بستن زندان‌ها و یاری اهل بیت در برابر دشمنان و نادیده‌نگاران حَقمان دعوت می‌کنیم» (مجمع‌البیان، ج ۸: ۲۶۷).

امام حسین(ع) در بیان علت قیامش فرمود: «انما خرجت لطلب الاصلاح في امة جدي اريد ان آمر بالمعروف وانهي عن المنكر»: «همانا قیام من برای اصلاح امور امت جدم و امر به معروف و نهی از منکر است» (رضوی اردکانی، ۱۳۷۵: ۱۴۱؛ ابن خلدون، ۱۳۷۹: ۲۸۲). زید بن علی(ع) نیز برای امر به معروف و نهی از منکر و خونخواهی از امام حسین(ع) قیام کرد. او بر ضد فساد و انحرافات هیأت حاکمه که از جاده صواب و حق دور شده بودند قیام کرد و هدف وی احیای شریعت اسلام و حمل بر وفق کتاب خدا و سنت پیامبر(ص) بود. در «مسند» زید بن علی(ع) دلایل قیامش اینگونه عنوان شده است: «الله ما خرجت ولا قمت مقامی هذا، حتی قراءت القرآن، اتقنبت الفرائض، واحكمت السنة والآداب وعرفت التأويل كما عرفت التنزيل وفهمت الناسخ والمنسوخ والمحکم والمتشابه، والخاص والعام وما يحتاج اليه الامة في دينها مما لا بد لها منه، و لا غنى عنه واني لعلی بيند من ربّي...»: «به خدا سوگند، من قیام نکردم و در این مقام قرار نگرفته‌ام تا آنکه قرآن را خوانده‌ام و واجبات و سنت و آداب را در خود استوار ساختم، تأویل قرآن را چون ظاهر آن شناختم، ناسخ آن را از منسوخ و محکم را از متشابهات فهمیدم، خاص و عام آن را فرا گرفتم و آنچه امت اسلام به آن در دین خود لازم دارد و از آن بی‌نیاز نیست آموختم و همانا من از ناحیه پروردگارم دلیل و بیّنه همراهم» (مفید، ۱۳۷۷: ۲۵۱؛ ابن خلدون، العبر: ۲۰۶/۲).

گسترش تشیع یکی از ثمرات قیام زید در الهام‌پذیری از آموزه‌های قرآن

همانطور که بیان شد زید بن علی(ع) برای بیعت با خود؛ شروطی را بیان نمود که نشان از الهام‌پذیری قیام او از آموزه‌های قرآن بوده است. بنابراین روی همین اصل زید بیان نمود که برای امر به معروف و نهی از منکر و خونخواهی جدش حسین بن علی(ع) قیام می‌کند تا حکومت را به جایگاه اصلی‌اش بازگرداند. لذاست که نیت پاک او که برگرفته از آموزه‌های قرآنی بود توانست یک جریان انقلابی در جهان تشیع به وجود بیاورد تا منشأ و اساس همه قیام‌های سادات حسنی و حسینی گردد.

قیام زید علی‌رغم شکست سیاسی در عرصه اندیشه و کلام پیامد و تأثیرات بسیاری گذاشت به گونه‌ای که معتقدان آن‌ها با نام زیدیه تا به امروز در ممالک اسلامی چون حجاز، یمن، مصر و شمال آفریقا پراکنده‌اند، در منابع تاریخی، کلامی، فرق و ملل و نحل مطالبی بسیار نقل شده است. زید با ارائه اندیشه امامت انقلابی، طرحی هوشمندانه را به همفکران القا کرد و روش جدیدی را برای مشروعیت رهبری جامعه مطرح کرد. وی مدعی جانشینی بود که علاوه بر نظریه نص(نصب الهی) مسأله قیام به سیف را نیز عنوان کرد. اعتقاد به خط مشی سیاسی و سیاست تهاجمی از سوی زید بن علی سبب شد تا وی و باورمندان به این اعتقاد از سایر فرق متمایز شوند. این اعتقاد رهیافتی برای رسیدن قدرت سیاسی بود. پیروان و اطرافیان زید بعد از او مکتبی تشکیل دادند که در دیدگاه آن‌ها امامت صرفاً منصبی سیاسی بود و شناسایی و مرجعیت امام با قیام به سیف و کسب قدرت تحقق می‌یافت.

از نتایج و آثار قیام زید می‌توان به این نکته اشاره کرد که بعد از این قیام یک جریان انقلابی در جهان تشیع به وجود آمد و منجر به تشکیل سه حکومت شیعی زیدیه در طبرستان ایران، ادریسیان در شمال آفریقا و یک حکومت محلی در یمن گردید. قیام زید منشأ قیام‌های بعدی بود. پایه و اساس همه قیام‌های سادات حسنی و حسینی الهام گرفته از قیام زید بن علی(ع) می‌باشد. لذا قیام وی این جرأت را به علویان داده تا در مقابل امویان و عباسیان قیام نمایند.

قابل ذکر است احساسات مردم بعد از شهادت امام حسین(ع) و حادثه هولناک کربلا و همچنین موقع شهادت زید به شدت جریحه‌دار گشته و هر آن انتظار می‌رفت این مشعل جاوید در گوشه‌ای از بلاد اسلامی آن روز شعله‌ور گردد؛ و انتقام جویان و مبارزین سلحشور علوی و مسلمان دست به قیامی خونین بر ضد دستگاه دیکتاتوری بنی امیه بزنند. بازماندگان این قهرمان علوی، مخصوصاً فرزندان رشید زید(ع) چون یحیی بیش از همه برای رهبری این قیام مورد گمان مردم بودند و چنین شد. بیش از همه کوفه و مدینه، مرکز استان عراق و حجاز از این حادثه ناگوار منقلب و متأثر بودند. ما در اینجا به برخی از تأثیرات قیام زید در گسترش تشیع و برپایی قیام‌های متعدد در برخی از شهرها اشاره می‌کنیم که عبارت‌اند از:

۱- برپایی قیام در شهر کوفه

شهر کوفه مرکز استان عراق بیش از همه شهرها منقلب و متأثر از قیام و شهادت زید بن علی(ع) بود، چراکه محل انقلاب و شورش انقلابیون بود، این جانبازان سلحشور حماسه‌ای جاوید آفریدند و دشمن را تا حد زیادی شکست دادند و آنگاه با کمال رشادت شربت شهادت نوشیدند. این شهر به علت داشتن سابقه شیعی و دینی و ارادتمندان به حضرت علی(ع)، منتظر قیام از سوی اهل بیت(ع) بودند و انتخاب کوفه از جانب زید بن علی(ع) به عنوان محل قیام، بی‌جهت به این صبغه شیعی، دینی و سیاسی نبود. لذا بعد از شهادت زید بن علی(ع) کوفه با تأثیرپذیری از این شهادت، پرچمدار قیام‌های بعدی از سوی سادات حسنی و حسینی بود. قیام و اندیشه زید به سبب فضای جامعه‌شناختی کوفه مورد پذیرش کوفیان قرار گرفت. کوفه از مراکز مهم تشیع به شمار می‌رفت، شیعیان کوفه بعد از واقعه

عاشورا برای جبران عدم همراهی با امام حسین(ع) آماده قیام علیه دولت اموی بودند. مشارکت کوفیان در قیام زید حکایت از آمادگی مردم این شهر به منظور دفاع از خاندان علی و مبارزه علیه ظلم و ستم اموی دارد. بر اساس گزارش‌های تاریخی زید در راه بازگشت از شام در حیره اقامت کرد، زید در کوفه رساله‌ای درباره ستم بنی‌امیه، مظالم و فجایع آن‌ها نوشت و به شهرهای مختلف فرستاد و مردم را به جهاد علیه امویان دعوت کرد(بلاذری، ۱۳۹۴: ۵۲۶/۲-۵۲۷). مبارزه و مخالفت علنی زید با حکومت اموی سبب برجسته شدن وی در نگاه مردم شد.

سر مقدس زید بن علی(ع) را به دستور یوسف بن عمر از بدن جدا ساختند و آن را برای هشام بن عبدالملک به شام فرستادند. آنگاه بدن مقدس فرزند آل محمد(ص) را با بدن معاویه بن اسحق بن زید بن حارثه انصاری و زید بن مهدی و نصر بن خزیمه، این افسران رشید، در کناسه کوفه به دار زدند(اصفهانی، ۱۳۴۹: ۱۴۲). آویخته شدن جسد بر روی دار که نشان از رفتار خصمانه بنی‌امیه با اولاد رسول خدا(ص)، مشاهده مردم کوفه بر جسد به دار آویخته شده و ظلم و جنایات امویان باعث شد مردم دیدگاه خوبی به دستگاه بنی‌امیه نداشته باشند و هر لحظه آماده قیام باشند. زیارت جسد زید بر روی کناسه از جمله کارهایی بود که از سوی مردم کوفه هر روزه انجام می‌گرفت و مأموران بنی‌امیه جرأت نمی‌کردند که مردم را از زیارت منع کنند. بدن مطهر زید به روایتی یک سال و چند ماه، دو سال، سه سال، چهار سال، پنج و شش سال بر روی دار بوده است. اما آنچه از کتب معتبر تاریخی و حدیثی به دست می‌آید بدن مقدس زید بن علی(ع) چهار سال بالای دار بود و در زمان ولید بن یزید این خلیفه اموی که به فرعون امت مشهور بود، آن را پایین آوردند و آتش زدند و خاکستر آن را در رود فرات ریختند. حاکم کوفه سر مقدس زید با سرهای چندان از اصحابش را برای خلیفه غاصب اموی، هشام بن عبدالملک به شام فرستاد. آنگاه دستور دادند سر زید در دروازه شام بر بلندی نصب کنند به طوری که نظر عابریں را به خود جلب نماید(طبری: ۲۷۶). هشام بعد از مدتی سر زید را برای محمد بن ابراهیم بن هشام والی خود در مدینه فرستاد(همان: ۲۷۷) آنگاه یک شبانه‌روز سر مبارک زید را نزدیک قبر مقدس پیامبر(ص) نصب کرد(ابن‌عنینه، ۱۴۱۷ق: ۲۵۸).

این اقدام هشام، مردم مدینه را به اعتراض واداشت اما هشام به آنان اعتنایی نکرد، این کار موج خشم و احساسات مردم مدینه را که زید(ع) و مقام والای او را می‌شناختند ایجاد نمود، به طوری که بعضی افراد جلساتی در خانه‌هایشان تشکیل می‌دادند؛ و جنایات بنی‌امیه را بیان می‌کردند؛ و همانطور که برای امام حسین(ع) عزادار بودند، برای زید(ع) سوگواری می‌نمودند. شدت تنفر مردم از اقدام عمال بنی‌امیه به حدی بود که والی مدینه از این عکس‌العمل‌های مردم به وحشت افتاد و از اجتماع و سخن گفتن مردم در این زمینه جلوگیری نمود. وضع شهر مدینه متشنج شده بود و احساسات مردم سخت تحریک گشته بود و ترس از شورش مردم و قیام آن‌ها در بین بنی‌امیه موج می‌زد. به خاطر همین ترس هشام دستور داد سر مبارک زید(ع) به مصر فرستاده شود و در مسجد جامع مصر نصب گردد. مردم رشید مصر آن سر را شبانه دزدیدند و در مسجد محرس الخُصی با احترام دفن نمودند(رضوی

اردکانی: ۲۸۳).

مصریان موفق شدند سر زید را در محراب مسجد دفن کنند و آنجا را زیارتگاه خویش قرار دهند، مردم کم و بیش از محل دفن سر آگاه شده، به آنجا می‌رفتند و به عبادت و دعا می‌پرداختند. برای زید شهید(ع) دو زیارتگاه است که سالانه جمعیت زیادی از شیعیان و علاقه‌مندان به خاندان پیامبر به زیارتش می‌روند. این دو محل یکی در مصر و دیگری در عراق است. مردم مصر سر مقدس زید را در مسجدی دفن نمودند، از آن پس تا کنون، آن مسجد در قسمت محراب آن، محل زیارتگاه سر مقدس زید و مشهد اوست. مردم مصر این محل را مشهد علی بن الحسین(ع) می‌گویند و به این نام معروف است.

۲- برپایی قیام در شهر مدینه

شهر مدینه مانند کوفه از شهادت زید بن علی(ع) متأثر بود؛ زیرا خبر شهادت او و یارانش، اثری عمیق و ناگوار داشت و بالاتر از همه رهبر واقعی انقلاب، امام صادق(ع) را از این واقعه متأثر ساخت و حضرتش بعد از شهادت زید(ع) چنان غم و غصه فراوان او را فرا گرفته بود که هرگاه یاد کوفه و زید(ع) می‌افتاد، بی‌اختیار اشک از چشمان مقدسش سرازیر می‌شد و با جملات جانسوز و تکان‌دهنده توأم با تجلیل و احترام عمیق نسبت به عموی شهیدش زید(ع) و یاران فداکار وی احساسات مردم را تحریک می‌نمود. شهر مدینه به خاطر وجود مقدس امامان بزرگوار و شیعیان خالص آنان، مدافع قیام زید(ع) و یارانش بود؛ امام صادق(ع) فرمود: او برای قیامش با من مشورت کرد، من به او گفتم: عمو جان اگر دوست داری و راضی هستی که همان به دار آویخته کناسه باشی پس راه تو همین است و موقعی که زید از نزد حضرتش بیرون رفت امام فرمود وای به حال کسی که ندای او را بشنود و به یاری‌اش نشتابد(حسینی شیرازی، ۱۴۲۵ق: ۴۰).

۳- همراهی چهره‌ها و شخصیت‌های برجسته با زید(ع)

از تأثیرات مهم قیام زید بن علی(ع) و گسترش تشیع، همراهی چهره‌های برجسته و شخصیت‌های معروفی بودند که با زید بیعت کرده بودند و دست زید را به عنوان یاری او و جهاد در راه خدا فشردند. در میان یاران زید فقها، محدثین، روات، شعرا و دانشمندان به نام بودند که هر یک خود مقامی ارجمند و مرتبه‌ای رفیع داشتند. وجود این‌ها علاوه بر دادن ابهت و شکوه خاص به قیام زید بن علی(ع) در گسترش قیام زید تأثیرات زیادی داشتند. همه این‌ها به خاطر داشتن دانش و نفوذ زیاد، نقش مهمی در انتشار قیام زید داشتند. افرادی همچون ابوحنیفه، عبد... شبرمه بن طفیل، اعمش سلیمان بن مهران کوفی کاهلی، سلیمان بن خالد، منصور بن معتمر، مسعد بن کدام، یزید بن ابی زید، حجاج بن دینار، هارون بن سعد عجلی، محمد بن عبدالرحمن، زبید بن حارث بن عبدالکریم اماسی، هلال بن خیاب، ابوهاشم زمانی و... که همراهی آنان پشتوانه و دلگرمی برای زید بود. شعرا مرثیه‌سرایایی مانند کمیت

بن زید بن حنیس، سید حمیری، سدیف بن میمون، فضیل بن عباس بن عبدالرحمن، ابو تمیله الابرار، حبیب بن جدر هلالی، ابو حماد، یحیی بن زید، صاحب بن عباد، ابومحمد عبدی کوفی و سید محمد اعرجی و... که با شعر و مرثیه‌هایشان در خصوص زید و اهل بیت، باعث گسترش افکارش شدند و سایرین را در امر پذیرش افکار و راه و روش زید تشویق می‌کردند.

۴- در پی داشتن بیعت مردم با فرزندش یحیی

پس از بیعت مردم کوفه و شهرهای مدائن، بصره، واسط، جزیره، ری، گرگان و خراسان با زید که تعداد آن‌ها را در حدود چهل هزار نفر ذکر کرده‌اند (طبری، ۱۳۵۲: ۲۰۶/۴). قیام زید با شهادت او تمام نشد، و انقلابیون به رهبری فرزند رشیدش یحیی پرچم شورش و قیام بر ضد حکومت اموی را به دست گرفتند؛ و این وصیت زید بود که در بستر شهادت به یحیی یادآور شد. اشتیاق مردم این شهرها سبب شد طرفداران زید زیاد شوند، اما شهادت دو تن از یاران زید و آگاهی دشمن از زمان قیام موجب شد تا زید زودتر از وقت مقرر قیام خود را علنی کند. همین امر سبب شد تا همه شیعیان در روز قیام نتوانند به او به پیوندند و فقط در حدود چهارصد نفر به او پیوستند. بعد از زید فرزندش یحیی راه پدر را دنبال کرد و رهبری قیام علیه ظلم و ستم دولت اموی را به دست گرفت (یعقوبی، ۱۳۶۲: ۳۳۱/۲؛ شهرستانی، ۱۳۶۱: ۱۱۵). با شهادت زید بن علی هوادارانش از اطراف یحیی پراکنده شدند با این حال او به فعالیت‌های خود ادامه داد. بدین ترتیب او به خراسان رفت و در ناحیه جوزجان با همراهی شیعیان آن ناحیه خود را برای مقابله علیه دولت اموی آماده کرد. قیام یحیی به سال ۱۲۵ق سرکوب شد و بسیاری از اصحابش به شهادت رسیدند (اصفهانی، ۱۳۸۵: ۲۳۵/۱).

نتیجه بحث

زید بن علی (ع) از فقیهان برجسته و قرآن‌شناسان بزرگ سده دوم با تأسی از آیات قرآن کریم برای امر به معروف و نهی از منکر و خونخواهی جد غریبش حسین بن علی (ع) قیام کرد و بر آن بود تا حکومت را به جایگاه اصلی‌اش بازگرداند و در این راه جان خویش را در طبق اخلاص نهاد و خونین‌بال به دیدار معشوق شتافت. چراکه قرآن دستورالعمل‌های جدی و متقنی در خصوص مبارزه با ظلم و جور ارائه داده و چراغ هدایت و مشعل فروزانی برای رهبران شیعیان بود. پیروی و انس با قرآن زید بن علی، موجب رسوایی حکومت امویان در انظار مردم و ایجاد جدایی بین خلفای جور و جامعه اسلامی را به وجود آورد، و چهره نفاق و ریاکاری دستگاه حاکم را نمایان ساخت و بر ادعای واهی خلفا خط بطلان کشید. قیام آنان رعب و وحشتی را در دل حاکمان ستمگر اموی ایجاد کرد، چراکه سنگ بنای قیام علیه حاکمان جور را فراهم نمود، و قیام‌های دیگر در زمان عباسیان اعم از سادات حسنی و حسینی با الهام از این قیام نشأت گرفته بودند. این قیام‌ها باعث پیدایش فکری تازه در بها دادن به شیعه به عنوان نیرویی مستقل و اهرمی قدرتمند از نظر سیاسی و اجتماعی بود که خلفا و دیگر صاحبان قدرت را وادار

به پذیرش شیعیان کرد؛ و با خروج از انزوا و تقیه تا مقام وزارت خلفای عباسی ارتقا داد. تشکیل حکومت‌های مستقل شیعه در مغرب و یمن و تأسیس کانون‌های شیعه در ری، طبرستان، خراسان، آفریقا و شبه جزیره هند و برتر از آن احیاء و استمرار اندیشه برپایی حکومت شیعی به منظور اجرای قوانین و حدود الهی در طول تاریخ را می‌توان نشأت از این قیام‌ها دانست.



کتابنامه

قرآن کریم.

- ابن اعثم کوفی، ابومحمد. ۱۳۷۲ش، **الفتوح**، ترجمه غلامرضا طباطبایی مجد، چاپ اول، تهران: علمی و فرهنگی.
- ابن خلدون، عبدالرحمن. ۱۳۷۹ش، **مقدمه**، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: علمی و فرهنگی.
- ابن خلدون، عبدالرحمن. ۱۳۸۳ش، **العبر**، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: مطالعات فرهنگی.
- ابن طقطقی، محمد بن علی. ۱۳۸۹ش، **تاریخ الفخری**، ترجمه محمد وحید گلپایگانی، تهران: علمی و فرهنگی.
- ابن عساکر، علی بن حسین. ۱۴۱۸ق، **تاریخ مدینه دمشق**، چاپ اول، بیروت: دار الفکر.
- ابن عنبه، احمد بن علی حسینی. ۱۴۱۷ق، **عمدة الطالب فی انساب آل ابی طالب**، مصحح افتخاری، قم: نشر صدر.
- اصفهانى، ابوالفرج. ۱۳۸۷ش، **مقاتل الطالبیین**، ترجمه هاشم رسولی محلاتی، تهران: فرهنگ اسلامی.
- اصفهانى، ابوالفرج. ۱۴۱۵ق، **الأغانى**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- امینی، عبدالحسین. ۱۳۸۷ق، **الغدير فی الكتاب والسنة والأدب**، بیروت: دار الکتب العربی.
- بلاذری، محمد بن یحیی. ۱۴۰۴ق، **فتوح البلدان**، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- تشید، علی اکبر. ۱۳۸۵ش، **قیام سادات علوی**، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- جعفریان، رسول. ۱۳۷۱ش، **حیات فکری و سیاسی امامان شیعه**، قم: انتشارات انصاریان.
- حسینی شیرازی، سید علیخان. ۱۴۲۵ق، **ریاض السالکین**، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.
- حکیمیان، ابوالفتح. ۱۳۶۸ش، **علویان طبرستان**، تهران: الهام.
- رضوی اردکانی، ابوفاضل. ۱۳۸۴ش، **شخصیت و قیام زید بن علی**، قم: انتشارات اسلامی.
- رضوی اردکانی، ابوفاضل. ۱۳۸۹ش، **قیام یحیی بن زید**، تهران: انتشارات بین الملل.
- زرین کوب، عبدالحسین. ۱۳۶۸ش، **تاریخ ایران بعد از اسلام**، تهران: امیرکبیر.
- زمخشری، محمود بن عمر. ۱۳۸۹ش، **تفسیر الکشاف**، ترجمه مسعود انصاری، تهران: انتشارات ققنوس.
- شهرستانی، محمد بن عبدالکریم. ۱۳۶۱ش، **الملل والنحل**، ترجمه محمدرضا جلالی نائینی، تهران: انتشارات اقبال.
- شیخ مفید. ۱۳۷۶ش، **الإرشاد**، ترجمه محمدباقر ساعدی خراسانی، تهران: انتشارات اسلامی.
- صدوق، محمد بن علی. ۱۴۰۴ق، **عیون أخبار الرضا(ع)**، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- طبری، محمد بن جریر. ۱۳۸۵ش، **تاریخ الرسل والملوک**، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر.

- قائمی، علی. ۱۳۷۷ش، در مکتب احیاگر تشیع حضرت امام جعفر(ع)، قم: انتشارات امیری.
- کریمیان، حسین. ۱۳۸۲ش، سیره و قیام زید بن علی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- مجلسی، محمدباقر. ۱۴۰۳ق، بحار الأنوار، بیروت: نشر دار الحیاء.
- مدرسی، محمد تقی. ۱۳۷۸ش، امامان شیعه و جنبش‌های مکتبی، ترجمه حمیدرضا آژیر، مشهد: آستان قدس رضوی.
- مسعودی، علی بن حسین. ۱۳۷۸ش، مروج الذهب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- الهامی، داود. ۱۳۷۵ش، سیری در تاریخ تشیع، قم: مکتب اسلام.
- یعقوبی، احمد بن محمد. ۱۳۷۴ش، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

Bibliography

The Holy Quran.

Ibn A'tham Kufi, Abu Mohammad (1993), al-Fattouh, translation by Gholamreza Tabatabaei Majd, First Edition, Tehran, Scientific and Cultural.

Ibn Khaldun, Abdul Rahman (2004) Al-Abar, translated by Abdul Mohammad Ayati, Tehran: Cultural Studies.

Ibn Khaldun, Abdul Rahman (1379). Introduction, translation by Mohammad Parvin Gonabadi, Tehran: Scientific and Cultural.

Ibn Asaker, Ali ibn Hussein, (1418 AH) History of Medina Damascus, first edition, Beirut, Dar al-Fakir.

Ibn Anbah, Ahmad ibn Ali Hosseini, (1417 AH), Major al-Talib in Anabal Al-Abitaleb, Honorary Editor, Qom, Sadr Publishing.

Ibn Taqtaqi, Muhammad ibn Ali (2010). History of Fakhri, translation by Mohammad Vahid Golpayegani, Tehran: Scientific and Cultural.

Esfahani, Abolfazl (2008). Mutatal al-Talbin, translated by Hashem Rasooli Mahallati, Tehran: Islamic Culture.

Esfahani, Abolfazl (1415 AH) Al-Ghani, Beirut, Dar al-Haya al-Arabi.

Amini, Abdolhossein (1387 AH). Al-Ghadir fi Ektab Walsan & Adeb, Beirut: Dar al-Kutab al-Arabi.

Elhami, Davood, (1996), A Survey on Shiite History, Qom: The School of Islam.

Belazari, Muhammad ibn Yahya, (1404) Fatawa al-Baladan, Beirut: Dar al-Kutb al-Umayyah

- Tashid, Ali Akbar (2006). The uprising of Sadat Alavi, Tehran: Darulkitab Islamiyah.
- Ja'farian, Prophet (1371). Intellectual and Political Life of Shiite Imams, Qom: Ansarian Publications.
- Hosseini Shirazi, Seyyed Ali Khan (1425 AH) Riyadh al-Salkin, Qom: Islamic Publications of the Teaching Society.
- Hakimian, Abolfattah (1368). Alavian Tabarestan, Tehran: Elham.
- Razavi Ardakani, Abou Fazel (2010). Yahya bin Zayed uprising. Tehran: International Publications.
- Razavi Ardakani, Abou Fazel (1384). The Personality and Uprising of Zaid bin Ali, Qom: Islamic Publications.
- Zarrin Kub, Abdolhossein (1368). History of Iran after Islam, Tehran: Amir Kabir.
- Zamakhshari, Mahmoud Bin Omar, (2010) Tafsir al-Kashaf, Masoud Ansari translation, Tehran, Qoqnos Publications.
- Shahrestani, Mohammad bin Abdul Karim, (1361) International Valleh, Translated by Mohammad Reza Jalali Naeini, Tehran: Iqbal Publications.
- Saduq, Muhammad ibn Ali, AH, Ayoun Khobar Al-Reza (AS), Beirut, Institute of Public Affairs.
- Tabari, Mohammed bin Jarir (2006). History by Rasul Walmuluk, translation by Abolghasem Payandeh, Tehran: Mythology.
- Ghaemi, Ali (1377). In Imam Jafar (AS) Shiite Revival School, Qom: Amiri Publications.
- Karimian, Hossein (2003). Zayd ibn Ali's Sirae and Uprising, Tehran: Scientific and Cultural Publications.
- Majlesi, Muhammad Bagher, (1403 AH), Bahar al-Anwar, Beirut: Dar al-Haya Publishing
- Modaresi, Mohammad Taghi (1999). Shiite Imams and School Movements, translated by Hamid Reza Ajir, Mashhad: Astan Quds Razavi.
- Massoudi, Ali bin Hussein (1999). Proponents of Al-Dahab, translated by Abolghasem Payandeh, Tehran: Scientific and Cultural Publications.
- Mofid, (1997), Al-Arshad, Translated by Mohammad Bagher Saadi Khorasani, Tehran: Islamia Publications.
- Yaghoubi, Ahmad ibn Muhammad (1374). Yaghoubi's History, Translated by Mohammad Ibrahim Ayati, Tehran: Scientific and Cultural Publications.

A Study on Uprising of Zayd ibn Ali and its Effect on Spreading Shiism Process

Seyyed Hasan Ghoreishi Carbon: Assistant Professor, Payam e Noor University

Ali Akbar Razzaqi: PhD Candidate, Payam e Noor University, Qeshm

Seyyed Abolfazl Razavi: Assistant Professor, Kharazmi University, Tehran

Zahra Ghanbarimale: Assistant Professor, Payam e Noor University

Abstract

Undoubtedly, one of the Quran readers and interpreters of the Divine Book who has a special status among the readers and commentators of Qur'an is Zayd ibn Ali. His works show that he has written many books in this field and has been titled as "Halif Al Qur'an" (Votary to Quran) and indicates his constant connection with Qur'an. He also has a famous reading that some of the scholars have collected them in an independent book. The uprising of Zayd which is originated from the Verses of Qur'an, is the first uprising against the Umayyads by the family of Imam Ali after the event of Karbala in Islamic lands. Sadat Hassani and Sadat Hosseini also revolted and protested inspired by the mentioned uprising against Umayyads and Abbasids. Therefore, the present research intends to determine the estate of Zayd Ibn Ali's uprising by enjoying Quranic learnings initially and then express the effect of this uprising on spreading Shiism process and the method is descriptive – analytical.

Keywords: Shiite uprisings, Zayd ibn Ali, Shiism, Votary to Quran.